

آفریقای جنوبی، منطقه‌ای با طرز آیینی بسیار گوناگون است. مردم این کشور به آیین‌های مختلف از جمله مسیحیت، هندوئیسم، یهودیت، اسلام، و آیین‌های بومی و سنتی خود پیروی می‌کنند. در حالی که آیین‌های بومی و سنتی در جنوب غربی این کشور ریشه‌های عمیق‌تری دارد، آیین‌های مسیحیت و اسلام در سایر مناطق این کشور رواج یافته‌اند. آیین‌های بومی و سنتی در جنوب غربی این کشور ریشه‌های عمیق‌تری دارد، آیین‌های مسیحیت و اسلام در سایر مناطق این کشور رواج یافته‌اند. آیین‌های بومی و سنتی در جنوب غربی این کشور ریشه‌های عمیق‌تری دارد، آیین‌های مسیحیت و اسلام در سایر مناطق این کشور رواج یافته‌اند.



نمایش‌های عروسکی و مذهبی در آفریقای جنوبی

بت پیسی (استاد دانشکده تئاتر دانشگاه صنعتی شون در بریتوریا) - آفریقای جنوبی
مترجمان: آی سان نوروژی، مهدی نصیری

■ چکیده

آفریقای جنوبی جامعه‌ای بلورالیتی است و البته احترام و ستایشی ویژه نسبت به دین دارد. مسیحیت دین اکثریت است، در حالی که ادیان دیگری همچون اسلام، یهود و هندوئیسم نیز در کنار نظام‌های اعتقادی فرعی متعدد وجود دارد. «مذهب سنتی آفریقا» (ای تی آر) از هفت قرن پیش و با سکونت مردم قبیله بانتو در این ناحیه یا به این دیار نهاد است. مهم‌ترین جنبه‌های «مذهب سنتی آفریقا» اعتقاد به خداوند متعال، اعتقاد به ارواح (و نه پرستش)؛ و ویژه ارواح نیاکان و تنهد به اخلاق و جامعه است.

جدا از مردم قبیله مشهور «لاودو» در شمال این کشور و ایمان راسخ و بنیادین آنان به الهه باران، چندان بر ما روشن نیست که چه تعدادی از مردم این دیار، صرف‌نظر از دیگر ادیان به «ای تی آر» یا مذهب سنتی آفریقا ایمان دارند. تنها می‌دانیم که ای تی آر، هنوز نزد بسیاری از مردم آفریقا که پیرو کلیساهای تازه تأسیس و بومی آفریقا هستند ارج و قرب ویژه‌ای دارد. این کلیساها در قرن نوزدهم میلادی تشکیل شدند و خود را با سبک و سیاقی آفریقایی با شرایط خاص آن دیار پیوند دادند. بزرگترین دسته کلیساها در آفریقای جنوبی، کلیسای مسیحی صهیون (یا زاین کریستین) با حدود دو میلیون عضو است.

قرن‌هایتمادی، عروسک‌ها بخشی از مجموعه آیین‌ها و نمایش‌های مذهبی آفریقا بوده‌اند. از سوی دیگر، نمایش‌های عروسکی آفریقا نیز در سال‌های آغازین فعالیت خود را بر این محور متمرکز کرده بودند. در نیمه دوم قرن بیستم هر چند، نمایش عروسکی بیشتر به عنوان ابزاری آموزشی به کار گرفته می‌شد، لیکن به بیان ارزش‌های مذهبی و اخلاقی نیز می‌پرداخت.

مقاله ذیل نشان می‌دهد که نمایش عروسکی چگونه در سی سال گذشته جنبه‌های گوناگون مذهبی جامعه آفریقای جنوبی را در خود بازتابانده است. این جنبه‌ها معطوف به مقوله ایمان، باورها و در مجموع آموزش اخلاقی است.

◇ واژگان کلیدی: آفریقای جنوبی، دین، مذهب سنتی آفریقا، آیین‌ها و نمایش‌های مذهبی آفریقا.





مقدمه

مذهب نقش بسیار مهمی در جامعه آفریقای جنوبی ایفا می‌کند. جداز مناسک مذهبی رسمی در میان اعتقادات مختلف، رسانه‌های گروهی متشکل از برنامه‌های روزانه رادیویی و تلویزیونی و بسیاری روزنامه‌ها و مجله‌ها پیام‌هایی را بر اساس کتاب مقدس یا قواعد مذهبی به مردم و جامعه آفریقایی انتقال می‌دهند.

اعتقادات مسیحی

مسیحیت فرقه‌های گوناگونی چون کلیسای کاتولیک رومی، کلیساهای اصلاح‌طلب هلندی، متدیست‌ها، کلیسای انگلیس، باپتیست‌ها و معتقدان به پاپ و کلیساهای روحانی را در بر می‌گیرد. بزرگترین گروه مسیحی در آفریقای جنوبی، کلیساهای مستقل آفریقایی است.

کلیساهای مستقل آفریقایی

کلیساهای مستقل آفریقایی (AIC) که قوه ابتکار آفریقایی‌ها باعث تأسیس آن در قرن نوزدهم شد، با سبک خاص آفریقایی به وضعیت این قاره پرداخت. آداب و رسوم به گونه‌ای برجسته در چارچوب ادیان مسیحی در AIC داشته‌اند و به همین ترتیب از این پس نیز حضور خواهند داشت. با توجه به نظر «جویس» (۱۹۸۹:۲۹۵) این کلیساهای مسیحی را با بعضی عناصر اعتقاد آفریقایی قدیم ترکیب می‌کنند.

کلیسای مسیحی اسرائیلی (ZCC)

کلیساهای مسیحی - اسرائیلی با حدود ۲ تا ۶ میلیون پیرو بزرگترین گروه در میان کلیساهای AIC هستند. ZCC در سال ۱۹۲۴م، به وسیله اینگناس لگانین (Engenas Lekganyane) پی‌ریزی شد. عموماً همه مکان‌های ZCC، به طور ثابت در میان جریان کلیساهای مستقل، بر ابقای هنجارها و عادات مهم آفریقایی تأکید می‌ورزند.

اعتقادات اسرائیلی نیروی شفاف‌بخش ایمان مذهبی را تقویت می‌کنند و به همین دلیل رهبران ZCC گاهی به عنوان شفا‌دهنده‌های قدیم یا sangomas شناخته می‌شوند. این ویژگی‌ها در بسیاری از سیستم‌های اعتقادی آفریقایی مهم هستند.

اما با وجود تضادهای احتمالی، ZCC به طور کلی به اعتقادات مذهبی کهن آفریقایی، به خصوص آنها که برای شفاعت مردم به قدرت نیاکان توسل می‌جویند، احترام می‌گذارد. به این اعتقاد در مذهب کهن آفریقا اشاره خواهد شد.

گر چه اعتقادات ZCC می‌تواند به عنوان گزینه‌های انتخاباتی

پیوست مذهبی

آفریقای جنوبی جامعه‌ای با تعدد احزاب و البته مقید به رعایت اصول مذهبی است. با توجه به آمار و ارقام سال ۲۰۰۱، مسیحیت با ۷۹/۸ درصد مذهب اکثریت مردم است؛ در حالی که مذاهب پرطرفدار دیگری مثل اسلام، یهودیت و هندویسم نیز در کنار اعتقادات اقلیت‌های دیگر با ۰/۲ درصد پیرو (از جمله مذهب کهن مردم آفریقا) در این کشور وجود دارند. ۱۶/۵ درصد از ساکنان آفریقا هیچ پیشینه مذهبی نداشته‌اند و یا این که در مورد پیشینه مذهبی‌شان اطمینان و آگاهی چندانی در دست نیست. اعتقاد بر این است که تعدادی از پیروان مذهب کهن آفریقا در این گروه قرار می‌گیرند. اتحادیه آفریقای جنوبی از آزادی مذهب و رابطه دوستانه عمومی بین اعتقادات مذهبی گوناگون و ارتباط‌های بین‌الادیان و بین‌المذاهب در این کشور حمایت کرده است. در همین راستا، در سال ۱۹۹۲ کنفرانس عملکرد مذهب و صلح (WCRP) منشوری برای حمایت از آزادی مذهب در آفریقای جنوبی تدوین کرد. WCRP سازمانی است که مذاهب مختلف را در آفریقای جنوبی به اتحاد فرا می‌خواند و جامعه را برای بحث درباره اشتراکات مذاهب گوناگون به ویژه در زمینه پی‌ریزی اصول اخلاقی محکم‌تر آماده می‌سازد. از همین رو، «مارگارت اورباخ» - عروسک‌گردان آفریقایی - برای طراحی و اجرای نمایش «جاده سن‌گلاخی» انتخاب شد. این نمایش عروسکی می‌نماید مذاهب گوناگون پیام مشترکی دارند و این که بهتر است به جای پرداختن به اختلاف میان مذاهب، در کنار یکدیگر برای توده مردم بکوشیم (اورباخ ۲۰۰۴:۵۰).

نیاکانشان را فرامی‌خوانند و به جای خداوند آنها را می‌پرستند.

انسان‌ها، قبل از توجه به اعتقادات اجدادی باید ابتدا به عامل نیرومند دیگری توجه کنند. به عنوان مثال اهمیت جامعه، Ejizu (sa)، URL توضیح می‌دهد: «برای آفریقایی‌های باستان، اجتماع بیش از اینکه مقوله‌ای زمینی باشد، مقدس است، و به وسیله شکل‌ها و نمادهای مذهبی مختلف احاطه شده است.»

جامعه از عده‌ای مردم که سنت‌ها، مذاهب و عقاید اخلاقی مشترکی دارند، تشکیل می‌شود. مردم برخی جوامع نیز به دلیل اعتقاد و مهارت‌شان در حوزه‌های تخصصی خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند؛ مانند سنت‌های داروسازی قدیم یا مناسک باران‌خواهی؛ مورد اخیر در بافت آفریقای جنوبی به Lovedu برمی‌گردد که بعداً در مورد آن بحث خواهد شد.

بر اساس تفکرات کهن یک شخص فقط زمانی که در میان اعضای اجتماعی قرار می‌گیرد، معنا می‌یابد و هستی‌اش مدیون دیگران (از جمله نسل‌های پیشین یا اجدادش) است. بنابراین، بزرگان جامعه قدرت کامل را در دست دارند و همگان باید به آنها احترام بگذارند و اعتماد کنند. وقتی بزرگترها می‌میرند (یا به دنیای روحانی رهسپار می‌شوند)، توانایی و تأثیرشان در اجتماع (در قالب اشباح اجداد) ادامه می‌یابد.

در حالی که شاید مذهب به صورت آکادمیک جدا از اخلاقیات مورد توجه قرار گرفته باشد، اما خطی که آنها را از هم جدا می‌کند، اغلب باریک است و دو موضوع با هم ارتباط نزدیکی دارند. این مسأله به خصوص هنگامی کاملاً واقعیت می‌یابد که اعتقاد به اجتماع به اهمیت رفتار اخلاقی و معنوی مرتبط می‌شود. بسیاری از آداب و رسوم، تابوها و ممنوعیت‌ها وجود دارند که با هدف حمایت از جامعه و ایجاد صلح و هارمونی اجتماعی و با توجه به Ejizu URL (Sa) شکل گرفته‌اند: «در پیشینه آفریقای باستان، خدایان مانند پلیس خدمت می‌کردند.» در این فرهنگ، اشباح اجداد، آداب و رسوم و رفتارهای اخلاقی را در جامعه جاری می‌سازند و انتقال می‌دهند.

در مورد مذهب مورد ملاحظه قرار گیرد، اما کلیسای بیشتر از ارزش‌های اخلاقی سخت‌گیرانه آن طرفداری می‌کند. به عنوان مثال، ZCC مشروبات الکلی، دخانیات و گوشت خوک را ممنوع می‌داند؛ ضمن اینکه تعدد روابط جنسی و خشونت را نیز محکوم می‌سازد.

اعتقادات و آداب مذهبی قدیم آفریقایی اغلب از سوی کسانی که ادیان دیگری دارند، به شدت رد می‌شوند (شاید به استثنای AIC). البته هدف این مقاله بحث در مورد آداب مذهبی مختلف نیست، بل مقصود صرفاً آن است که بگوید آنها وجود دارند و اینکه نمایش عروسی چگونه این اعتقادات را باز می‌تابد.

همان‌طور که بحث در مورد فرهنگ آفریقایی با توجه به بسیاری رسوم قومی مختلف مشکل است، گفت‌وگو درباره مذهب کهن آفریقا هم سنت به نظر می‌رسد. با این وجود همچنان که تنوع در عقاید وجود دارد، شماری از اشتراکات نیز به چشم می‌آیند که در آفرینش مذهب کهن آفریقا نقش دارند:

اعتقاد به خدای تعالی یا پروردگار
جوامع مختلف عناوین گوناگونی برای خدای تعالی مطرح می‌کنند (که معمولاً مذکر است، ولی می‌تواند مؤنث هم باشد).
برخی نمونه‌های آفریقایی عبارتند از:

- خدای تعالی **Xhosa**، که **UDali** یا **Qwamatahe**
هم نامیده می‌شود. اعتقاد بر این است که وی آسمان، زمین، انسان‌ها و حیوانات را آفریده است.

- خدای تعالی **Zulu**، که **Unkulunkulu** (خدای باستانی) یا **Umuveli Ngqange** (خدایی که ابتدا ظاهر خود را خلق کرد)، گفته می‌شود. او از میان نی‌ها ظاهر شد و مردان، زنان، حیوانات، پرندگان و گیاهان را به همراه خود آورد.

- خدای تعالی **Swazi** که **Mkhulumqande** نامیده می‌شود و زمین و هر چه روی آن است، آفرید.

توده مردم اگر خدای تعالی را شایسته ستایش ندانند، وی را مستقیماً نخواهند پرستید. در عوض، ارواح و به خصوص ارواح





مذاهب باستانی آفریقا به زندگی پس از مرگ باور دارد. اعتقاد به اجداد شاید یکی از مهم‌ترین عوامل است و همان‌طور که در بالا هم اشاره شد، با معنای اجتماع ارتباط نزدیکی می‌یابد. این اعتقاد احترام به بزرگترها را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. دو واژه «ارواح نیاکان» و «پرستش» که معناهای به شدت گسترده‌ای دارند با توجه به مقوله اجداد مشکلاتی به بار می‌آورند.

مذاهب باستانی آفریقا

گرچه واژه «ارواح نیاکان» به جای اشاره به وجه تاریخی بیشتر برای معنی دادن به مفهوم مذهبی اجداد استفاده می‌شود، برخی معتقدند که واژه «ارواح» به اشتباه ارواح اجداد را در قلمرو ارواح دیگر قرار می‌دهد (دیرتر به این مسأله می‌پردازیم). بسیاری از کسانی که به نیاکان اعتقاد دارند، اصرار می‌ورزند که اجداد مورد پرستش قرار نمی‌گیرند، بلکه مقدس شمرده می‌شوند. این تفاوت به ویژه برای پیروان دیگر مناسک، مثل AIC، که هنوز به اجداد اعتقاد دارند، بسیار مهم است.

اجداد اغلب بخشی از اجتماع در نظر گرفته می‌شوند و از آنان با عنوان «مرده زنده» یاد می‌کنند (به طور مثال سوآزی، بیشتر آنها را به صورت زنده مخاطب قرار می‌دهد). آنها خدا نیستند، ولی می‌توانند میان انسان‌ها و خداوند واسطه باشند و بنابراین به عنوان پیونددهنده اجتناب‌ناپذیر این دنیا و جهان ارواح مورد ملاحظه قرار می‌گیرند.

اشباح اجداد در اغلب موارد نیکوخواه هستند و جامعه را در موضوع‌های مختلف راهنمایی می‌کنند. آنها را همچنین بخشی از اتفاقات مهم مانند تولد و ازدواج می‌پندارند و فقط هنگامی که در نتیجه نافرمانی اجتماع یا شخصی خشمگین می‌شوند، مجازاتی برای آنها در نظر می‌گیرند. این مجازات که از روی بدخواهی نیست، به مثابه اخطاری آرایه می‌شود و در این موارد آنها رضایت و برکت‌شان را از افراد و اجتماع دریغ می‌دارند. به عنوان مثال، جلوگیری از بارش باران می‌تواند سبب خشکسالی در اجتماع شود، یا شخصی که سنت را نادیده انگاشته به بیماری کوچکی دچار می‌آید تا از اشتباهش آگاهی یابد و راه اصلاح را در پیش

گیرد. در چنین شرایطی معمولاً برای جلب رضایت در گذشتگان پیشکش‌هایی مثل ذبح حیوان، پختن حلیم یا توزیع آبجوی کهنه تقدیم ارواح نیاکان می‌شده است. البته جامعه آگاه است که اجداد واقعاً پیشکش‌ها را مصرف نمی‌کنند، اما مراسم به عنوان آیینی نمادین برای شکرگزاری و تسکین به مرحله اجرا در می‌آید.

نیاکان اغلب توسط رویاها با زندگان ارتباط برقرار می‌سازند، اما در مواردی ممکن است یک کشیش یا روحانی نیز با آنها ارتباط داشته باشد و پیام‌شان را به زنده‌ها انتقال دهد (اندرسون ۱۹۹۲). این کشیش‌های اهل تصوف یا Sangomas، که جامعه را راهنمایی می‌کنند و قدرت شفابخشی دارند و از طرف نیاکان فراخوانده می‌شوند، برای رسیدن به این توان آموزش‌های سخت و دشواری را پشت سر می‌گذارند.

خدایان و ارواح

مرز میان مذهب و اسطوره هیچ‌گاه به وضوح تعریف نشده است و بسیاری از جوامع آفریقایی هم در کنار خدای تعالی به خدایان اساطیری و ارواحی غیر از اجدادشان اعتقاد دارند. اینها به عنوان خدایان کم‌اهمیت‌تری که در بعضی از موضوعات زندگی تأثیر دارند، در نظر گرفته می‌شوند. مسأله‌ای که در مورد این خدایان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که آنها به واسطه پدیده‌های طبیعی مثل خورشید یا ماه اهمیت می‌یابند. در دوران مدرن اعتقاد به این خدایان بسیار کاهش یافته و آنان بیش از آن که جنبه مذهبی داشته باشند، به بخشی از سنت جامعه و اسطوره تبدیل شده‌اند.

تصور کلی این است که ارواح در همه چیزها مثل حیوانات، پرندگان، درختان و دیگر اشیاء وجود دارند و معمولاً می‌توانند در جسم یک کشیش (Shaman) یا روحانی با انسان‌ها ارتباط برقرار کنند. این ویژگی به خصوص آن‌جا که عروسک‌ها نمایانگر ارواح هستند، مصداق می‌یابد. ارواح ممکن است بی‌آزار باشند، اما هنوز اعتقاد نیرومندی به ارواح شیطانی وجود دارد که می‌توانند به زندگان صدمه بزنند. بسیاری از طرفداران اهمیت اجتماع اعتقاد به ارواح و به خصوص ارواح بدخواه را به عنوان خرافه رد می‌کنند و

برهمن اساس کلمه «اجداد» را به جای واژه «ارواح نیاکان» مورد استفاده قرار می‌دهند.

Lovedu (balobedu)

با توجه به تاریخ شفاهی آفریقا در قرن ۱۶ و ۱۷ پادشاه مامبو (Mombo) در منطقه‌ای که امروزه زیمبابوه نامیده می‌شود، فرمانروایی می‌کرد. دختر او عاشق پسری شد و بدون عقد ازدواج پسری از او به دنیا آورد و وقتی پدر او را تهدید کرد، دختر افسون باران وی را زدید (یا مادرش آن را به او داد). سپس با پیروان کمی به جنوب گریخت و نهایتاً گروه آنها در منطقه‌ای پوشیده از درخت، جامعه‌ای منزوی را در شمال شرق آفریقای جنوبی بنا نهادند. پسر دختر پادشاه قوم شد و مردم قبیله تقریباً ۲۰۰ سال در این منطقه با آرامش زندگی کردند.

در قرن ۱۹ پادشاه بعدی موگادو (Mugado) دریافت که پسرانش برای به دست آوردن قدرت نقشه‌هایی دارند. با توجه به گفته میسر (۱۹۷۹:۲۰۳)، این اطلاعات را ارواح ماوراءالطبیعی که پادشاه با آنها ارتباط داشت، به او داده بودند (نه ارواح اجدادی). او پسرانش را کشت و به دخترش گفت ارواح می‌خواهند بعد از مرگ پدر، او ملکه باشد و به این ترتیب فرمانروایی حاکمان زن در آفریقا آغاز شد. دختر پادشاه به خاطر حفظ جانش ناچار بود در انزوای کامل بزید. پادشاه همچنین سنت‌ها و افسون‌های مقدس بازاران آور را به دخترش آموخت و او را Modjadji (Mujaji) به معنی «فرمانروای روز» نامید.

به محض فوت پدر، Modjadji ملکه شد. ولی همچنان در تنهایی و انزوا باقی ماند. نیروی باران آوری او در میان اهالی جنوب آفریقا شهرت یافت و بسیاری از قبیله‌های دیگر به دنبال او رفتند و هدایایی به او دادند تا بتواند برای کشور مصیبت‌زده از خشکسالی ششان باران بیاورد. از آن پس سرزمین این ملکه LoBedu (سرزمین پیشکش‌ها) و مردمانش Balobedu نامیده شدند.

در حالی که ملکه از اجتماع دوری می‌جست و فقط با افراد انگشت‌شمار و مسورد اعتمادی که اجازه نزدیک شدن به او را

داشتند، رابطه داشت، قبیله‌های دیگر افسانه‌های بسیاری درباره وی ساختند. همه تصور می‌کردند ملکه جاویدان و نامیراست. در حالی که امروزه می‌دانیم ملکه Modjadji هفتمین ملکه از سلسله‌ای است که پس از مرگ مادرش در سال ۲۰۰۵، جانشینی او را بر عهده گرفت. قبیله‌های دیگر آفریقایی نیز به خاطر مهارت افسانه‌ای وی در ایجاد باران، قدرت‌های جادویی به این ملکه نسبت دادند و از او اغلب به الهه باران یاد می‌شود. در واقع ملکه برای Lovedu بیش از این که ملکه باشد، الهه باران آور به شمار می‌آید.

توجه عمده مذهب سنتی Lovedu، اعتقاد به اجداد است و این اعتقاد به نیروی ملکه باران پیوند می‌خورد. باور بر این است که او تنها در صورت موافقت اجدادش می‌تواند نیروهایش را بروز دهد و اگر این اجداد خشمگین شوند، می‌توانند باران را از انسان‌ها دریغ دارند. از این رو، مردم پیشکش‌هایی به نیاکانشان تقدیم می‌کردند تا از سخاوتمندی و بخشش آنها مطمئن شوند.

نمایش عروسکی

عروسک‌ها در طی قرون متمادی بخشی از مناسک مذهبی و سنتی آفریقا را برعهده داشته‌اند. کشیش‌ها، روحانیان و شمن‌ها برای احضار ارواح خدایان و حتی اجداد در آداب و رسوم مذهبی از عروسک استفاده می‌کردند. در حالی که استفاده سنتی از عروسک و اجراهای عروسکی در کشورهای غرب آفریقا پیشینه غنی دارد، اما بیشتر مدارک مربوط به استفاده از عروسک در میان مردم بومی آفریقای جنوبی قابل پیگیری است. به عنوان نمونه می‌توان مجموعه‌ای از عروسک‌های Zulu مربوط به قرن ۱۹ را مثال زد که برای سرگرم کردن مردم ساخته شده‌اند. متأسفانه استفاده از نمایش عروسکی در متن زندگی مردم آفریقای جنوبی کم است. Tshabalala Nyanga عروسک‌گردان که بر استفاده آموزشی از نمایش عروسکی تأکید می‌ورزد، در مقاله‌ای گفته است: «من در شهرستان سوتو (Soweto) خارج از ژوهانسبورگ بزرگ شدم، جایی که نمایش عروسکی ناشناخته بود.» URL (Sa).

نمایش عروسکی آفریقا در اصطلاح غربی آن زیر تأثیر هنر



اروپایی از سال‌های اولیهٔ قرن نوزدهم (۱۸۰۰ م.) شناخته شده بود. نمایش‌ها در سال‌های نخستین معمولاً توسط گروه‌هایی که از خارج می‌آمدند، در منطقه اجرا می‌شد. دیرتر در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ عروسک‌گردان‌های محلی سربرآوردند و اجراهای اولیهٔ آنها نیز بیشتر برای بچه‌ها و به منظور سرگرم کردن آنان بود. در اواخر قرن ۲۰ نمایش عروسکی بیش از پیش به عنوان ابزاری آموزشی مورد استفاده قرار گرفت، ضمن اینکه به موضوع‌های مذهبی و اخلاقی هم بیشتر توجه شد (۱۸۳، ۲۰۰۴ Budenhorst).

نمایش عروسکی مسیحی

در سی سال گذشته، هدف عروسک‌گردان‌ها و گروه‌های حرفه‌ای در آفریقای جنوبی بیشتر سرگرم کردن مردم بوده است. آنها عمدتاً از مطالب خیالی یا این جهانی در تولیداتشان استفاده می‌کرده‌اند. در کنار اینها برخی نیز نمایش‌هایی با مضمون مذهبی به روی صحنه برده‌اند. به طور عمده تولیداتی که نگاه مذهبی داشته‌اند با دو جشنوارهٔ بزرگ مسیحی، «کریسمس» و «عید پاک»، ارتباط می‌یابند. از آن جا که این جشنواره‌ها در تعطیلات مدرسه برگزار می‌شوند، نمایش‌ها نیز با هدف ارتباط برقرار کردن با بچه‌ها به روی صحنه می‌آیند.

- اجراهای عروسکی با مضمون کریسمس:

- ۱) Nativity A نمایش عروسکی براساس سایه‌بازی توسط تئاتر ماریونته ژوهانسبورگ.
- ۲) Kersvehaal (داستان کریسمس)؛ خیمه شب‌بازی و سایه‌بازی توسط پتروس پروداکسیز (Petrus Produksies).
- ۳) هانا و بره؛ توسط گروه لیتل ماریونته.
- آلیدا فون مالتیتز در سال ۱۹۶۸ به عنوان استاد خیمه‌شب‌بازی به گروه تازه تأسیس این رشته در ژوهانسبورگ پیوست. نخستین تولید این گروه «داستان کریسمس» بود که تولد حضرت مسیح (ع) را روایت می‌کرد. فون مالتیتز، که یک استاد ماهر ساخت عروسک بود، در این گروه به ساخت و تولید عروسک‌های چوبی

پرداخت و وقتی در سال ۱۹۷۲ گروه را ترک گفت، عروسک‌های ساختهٔ خودش را هم با خود برد. مالتیتز تا زمان تأسیس گروهی به نام «مالتیتز ماریونتهز»، «داستان کریسمس» را با استفاده از همان عروسک‌ها هر سال به روی صحنه آورد. در طول سال‌ها گرچه ماهیت این اجراها به طور کلی ثابت باقی ماند، اما تغییراتی نیز در آنها به وجود آمد؛ «داستان کریسمس اصلی»، «داستان کریسمس واقعی» و «پیدایش» نمونه‌هایی از تولیدات بعدی بودند. این تغییرات علاوه بر جریان تولید گسترده، متن را نیز شامل می‌شد؛ به تدریج روایت جای گفت‌وگو را گرفت و در اجرای سال ۱۹۹۴ سایه‌بازی هم در کنار خیمه‌شب‌بازی قرار گرفت.

یکی از کارهای فون مالتیتز، نمایش سایه‌بازی به نام «یونس و ماهی بزرگ» براساس داستانی از کتاب مقدس در عهد عتیق بود. این اثر از سال ۱۹۹۷ به بعد در مناسبت‌هایی خاص بارها اجرا شده و نسخهٔ DVD آن را اکنون هم می‌توان تهیه کرد.

میریام اراسموس نیز عروسکی دستی به نام سوزی (Suzy) خلق و در طول سال‌ها تعدادی نمایش با حضور این شخصیت اجرا کرد. طی این ایام بسیاری از نمایش‌ها برای بچه‌ها و عموماً به منظور سرگرم کردن آنها تولید شد و بقیه با مضامین کریسمس و عید پاک به مرحلهٔ اجرا درآمدند. به علاوه، تعدادی از نمایش‌ها مضامین اخلاقی نظیر رفتار نجیبانه، مهربانی و همدلی با دیگران را باز می‌تابیدند.

- اجراهای گروهی که بافت مشخصاً مذهبی دارند

- تولیدات گروه جوی بلک لایت (Joy Blacklight)

مایک و مارچ داو، سان شاین کیدس پایتری مینستری را در سال ۱۹۹۷ در «درین» تأسیس کردند و به هیل کرست فلوشیپ پیوستند که هر یکشنبه در آنجا برنامه اجرا می‌کردند. آنها همچنین نمایش‌های پیشرو قابل توجهی را در نواحی اطراف به مرحلهٔ اجرا درآوردند و از طرف گروه‌های دیگر نمایشی نیز دعوت به کار شدند.

آنها به طور عمده از عروسک‌های Muppet بهره می‌گیرند، ولی عروسک‌های سادهٔ خیمه‌شب‌بازی را هم مورد استفاده قرار



این کتاب از مجموعه کتاب‌های «سنگدل» است که توسط انتشارات «سنگدل» در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است. این کتاب به بررسی زندگی و آثار آنتونی گامس، نویسنده و منتقد ادبی آمریکایی، می‌پردازد. آنتونی گامس یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر آمریکایی است که در زمینه‌های مختلف ادبی و فرهنگی فعالیت داشته است. این کتاب به بررسی آثار او و تأثیر آنها بر ادبیات و فرهنگ آمریکا می‌پردازد.

می‌دهند. گروه در ابتدا نمایش خود را روی صحنه‌ای با نور سفید اجرا می‌کرد، اما بعد از سال ۱۹۹۹ در صحنه‌ای کاملاً سیاه (تاریک) به اجرای اثر پرداخت. در این نوع از اجرا عروسک‌گردان‌ها و صحنه در تاریکی قرار دارند و نورهای فرابنفش عروسک‌ها را که با همین رنگ نقاشی شده‌اند، برای تماشاگر رویت‌پذیر می‌کنند. به دنبال این تغییرات نام گروه نیز در سال ۲۰۰۲ تغییر یافت.

تمام تولیدات گروه، که عمدتاً برای بچه‌هاست، مضمونی اخلاقی یا مذهبی دارند و آنها گنجینه‌ای از ۳۷ طرح را بنا نهاده‌اند. طرح‌ها مضامینی دینی شامل «ایمان»، «پدر ما»، «فریاد بزن حوسلانا» و «صحبتی کوتاه با مسیح (ع)» را مطرح می‌کنند. طرح‌هایی که زمینه اخلاقی دارند، عبارتند از: «توی تور گیر نیفتی» (در مورد زدی و دروغ‌گویی) و «انجام کار خوب برعهده خودتوست» (انتخاب بین خوب و بد).

-تولیدات پتروس، پروداکسین

ژوهان سوان فلدر که درس الهیات خوانده بود، در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ به عنوان کشیشی جوان فعالیت‌های مذهبی داشت. در همین دوران با استفاده از عروسک‌های دستی ساخته شده از خمیر کاغذ نمایش عروسکی را به خدمت مذهبی‌اش وارد ساخت. وی در سال ۲۰۰۱ شغلش را رها کرد تا گروه سیاری به نام پتروس پروداکسین برای اجراهای ویژه مذهبی تأسیس کند. نمایش‌های گروه فلدر برای کودکان و همین‌طور بزرگسالان بود.

او شیوه ساخت و چگونگی بازی با عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی را از عروسک‌گردان‌های حرفه‌ای آموخت و به استفاده از این عروسک‌ها در نمایش‌هایش پرداخت و آنها را در بسیاری از نقاط آفریقای جنوبی از جمله نامیبیا به روی صحنه برد. فلدر آثارش را (که همه به زبان آفریقایی بودند) برای کودکان و بزرگسالان خلق کرد. برخی از نمایش‌های او عبارتند از:

- passie Die (رنج مسیح)، که نمایشی در حد و اندازهای بزرگ (با استفاده از ۳۳ عروسک خیمه‌شب‌بازی) بود و در جشن عید پاک اجرا شد.

رنگین کمان تولید گروه پلی هاوس پاپت در «درین» بود که از عروسک‌های چوبی بزرگی بهره می‌برد. داستان نمایش اسطوره کهن خلقت را باز می‌تابید و مضامین اخلاقی را با موضوع‌های دیگری در مورد موجودات والا تر یا ارواح در می‌آمیخت. به عنوان مثال، در این اثر، عروسک‌هایی به شکل مار و آدمی دمدمی مزاج به روی صحنه می‌آمدند. اجرا گر چه می‌توانست به عنوان یک سرگرمی لذت‌بخش و دیدنی باشد، ولی توصیه‌ها و درس‌های اخلاقی نیز برای بچه‌ها و بزرگسالان در برداشت.

این نمایش را گروه رویال پاپت به اجرا در آوردند که داستان تولد انسان را در قاره آفریقا می‌نمود و تکوین وی را در عرصه‌های گوناگون تاریخی و مذهبی پی می‌گرفت. اثر بر پایه اعتقادات سنتی شکل گرفته و از اشکال گوناگون نمایش عروسکی، از جمله عروسک‌های چوبی - در اندازه‌های مختلف - خیمه‌شب‌بازی، سایه‌بازی و ماسک‌های مختلف بهره می‌برد.

سه گانه «ستاره‌های باستانی» به وسیله تکنیکون پرتوریا از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ به مرحله اجرا درآمد. در این نمایش از بازیگرها و عروسک‌های چوبی در اندازه‌های بسیار بزرگ (به بلندی ۶ متر) استفاده شد. بخش اول اثر (ستاره‌های باستانی) و سومین بخش آن (تقدیر) به باورهای سنتی آفریقا اختصاص داشت. ستاره‌های باستانی با Goddess Ma به عنوان شخصیت مرکزی و ارواح نیاکان باورهای مربوط به خلقت را در فرهنگ آفریقایی بازمی‌تاباندند. تقدیر نیز به اجداد و چشم‌اندازهای مذهبی در تاریخ‌های قبیله‌ای می‌پرداخت.

«فروشده روح» نمایشی که توسط گروه لیتل ماریونت تولید شد، در مورد دختر جوانی بود که می‌توانست با ارواح نیاکان ارتباط برقرار کند. این نمایش مضمون خوبی را در برابر بدی باز می‌تابید. بدی در قالب روح شیطان (فروشده روح) تجلی می‌یافت که در ازای دریافت روح دختر، شوهر دلخواهش را بدو می‌بخشید - نسخه آفریقایی از مضمون اروپایی و افسانه‌ای فاوست. ملکه (الهه) باران دو نمایش به دو شیوه مختلف درباره ملکه افسانه‌ای باران Modjadji هستند:

«ملکه باران و درخت بانوباب» یک خیمه‌شب‌بازی از گروه پلی هاوس پایت در دربن است. داستان اثر در مورد سفر دختری برای رسیدن به یک درخت بانوباب (معرف یک روح) است. دختر در کنار درخت در می‌یابد که نیروهایی به او داده می‌شود تا بتواند ملکه بعدی باران باشد. در این نمایش همچنین شخصیت‌هایی در قالب حیوانات و پرندگان هم حضور دارند.

«الهه باران» که به وسیله گروه لیتل ماریونت اجرا شد و بیشتر بر روی باورهای سنتی آفریقایی تمرکز داشت. در نمایش از عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی همراه با اسلاید بهره‌گیری به عمل آمد و هم به بزرگسالان و هم به کودکان اختصاص یافت. در آن به جز الهه باران شخصیت‌های انسانی و فرا زمینی از جمله ماه، خشکسالی و ارواح نیاکان به عنوان مشاور حضور داشتند. براساس نظر یک منتقد «الهه باران» توانست مفاهیم پیچیده‌ای را نظیر نقشی که ارواح اجداد در مناسک سنتی آفریقا ایفا می‌کنند، به شکلی باورپذیر و موفق ارائه دهد (BoeKkooi و ۱۹۹۹).

احیای اخلاقی

در سال ۱۹۹۷ نلسون ماندلا با رهبران مذهبی عمده دیدار کرد و از آنها برای شرکت فعال در احیای اخلاقی کشور به صورت ابتکاری دعوت به عمل آورد. این درخواست در سال ۱۹۹۹ و همزمان با دوران ریاست جمهوری Mbeki Thabo تکرار و در سال ۲۰۰۲ جنبش احیای اخلاقی (MRM) بنا نهاده شد. این جنبش «بر قانون اساسی به عنوان منبع اصلی ارزش‌های اخلاقی تکیه کرد که با بحث‌های اولیه معنویت یا مذهب تفاوت داشت» (Rauch؛ ۲۰۰۵). جنبش در نخستین سال‌های تأسیس فعالیت اندکی در زمینه احیای اخلاقی صورت داد.

اما در سال ۲۰۰۴ کاستی‌های خود را پذیرفت و برای مبارزه با آنها به تجدید نظر در عقایدش پرداخت. در حالی که این تجدید نظرها نظام می‌یافت و کارگاه‌هایی برای افزایش آگاهی عمومی تشکیل شده بود، براساس اظهارنظر Rauch (۲۰۰۵)، «در عرصه بحرانی ارتباط همگانی به دستاوردهایی رسیدیم».

با توجه به ارتباط نزدیک مذهب و اخلاقیات (که قبلاً به آن اشاره شد)، MRM می‌تواند این جنبه را همراه با نمایش عروسی مورد تحقیق و استفاده قرار دهد تا پیام خویش را از شهرها به مناطق روستایی دورافتاده انتقال دهد.

نتیجه‌گیری

استفاده از نمایش عروسی در چارچوب تفکر مذهبی در طول ۳۰ سال گذشته افزایش چشمگیری یافته است. به جز برخی از عروسک‌گردان‌های حرفه‌ای که به آنها اشاره شد، بسیاری از گروه‌ها نیز به شکل غیررسمی - و به ویژه برای ملموس‌تر کردن موضوع‌های مذهبی برای کودکان - از نمایش عروسی بهره می‌گیرند.

نمایش‌های عروسی با مضامین مذهبی تنها برای تقویت اعتقادات خاصی تولید و اجرا نمی‌شوند، بلکه هدف‌شان آگاهی دادن به مردم و افزایش روحیه تحمل‌پذیری باورهای دینی دیگر است. مقوله‌ای که در کشوری با تنوع عقاید مذهبی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

مستقیم» از زبان انسانی به انسان‌های دیگر عرضه شود. به اعتقاد من، با در نظر گرفتن موفقیت‌ها و محاسن نمایش‌های عروسکی به عنوان ابزار آموزشی، می‌توان از آنها به شکلی گسترده‌تر در آموزش‌های مذهبی و اخلاقی نیز بهره برد. از آنجا که اداره MRM در حوزه نظارت و وزارت فرهنگ و هنر قرار دارد، طبیعی است که سازمان DAC عروسک‌گردانان و گروه‌های نمایش عروسکی را با جدیت تشویق و حمایت کند تا آنها موضوع‌هایی را دستمایه کارشان قرار دهند که جامعه را به سمت تعالی سوق دهد.



در سال‌های اخیر نمایش عروسکی به عنوان منبع اطلاع‌رسانی و آموزشی در موضوع‌های گوناگون توسط چند عروسک‌گردان و گروه نمایشی به کار گرفته شده و با موفقیت‌های بسیاری به ویژه در زمینهٔ مقابله با ایدز و ویروس HIV همراه بوده است. این موفقیت‌ها تا اندازهٔ زیادی بدان دلیل بود که تماشاگران احساس خجالت و پشیمانی از نگاه در عروسک‌ها را بیشتر و بهتر از نمایش آن‌ها توسط بازیگران واقعی در می‌یابند. ضمن اینکه پیام‌ها و مفاهیم اگر در قالب یک اجرای عروسکی - که همچنان با هدف سرگرم‌کردن تماشاگر تولید می‌شود - ارائه شوند، مخاطب بیشتر آنها را می‌پذیرد، تا اینکه به صورت «سخنرانی» یا «موعظه»



یادویس‌ها:

- ۱- در مورد اینکه حرف AIC معرف چه کلمه‌ای است، نظرات متفاوتی وجود دارد. «هابز» (۱۹۹۲) توضیحات زیر را پیشنهاد می‌کند (گرچه انطباق و اختلاط مقوله‌ها را نشان می‌دهد).
 - الف - کلیساهای مستقل آفریقایی بدنه‌هایی هستند که از خود این قاره سرچشمه می‌گیرند و برای تأمین سرمایه رهبری یا کنترل آنها را هیچ یک از گروه‌های مذهبی خارج از آفریقا برعهده ندارند.
 - ب - کلیساهای نوپید (Initiated) آنها هستند که در آغاز به عنوان پیامد قوه ابتکار آفریقایی در کشورهای این قاره تأسیس شده بودند، اما شاید با بدنه‌های گسترده‌تری که اعضای غیرآفریقایی را در بر می‌گیرند نیز ارتباط داشته باشند.
 - ج - کلیساهای بومی (Indigenous) هم عادات و رسوم قومی جامعه آفریقایی را در خود دارند و هم این رسوم را حفظ می‌کنند. در این کلیساها علوم دینی یا اصول محلی مخصوص به خود گسترش یافته‌اند.
 - د- کلیساهای تأسیس شده در آفریقا که استقرار و رشدشان در این سرزمین به وقوع پیوسته است.
- 2-Anderson, A. 1993. African Pentacostalism and the Ancestors: Confrontation or Compromise, *Missionalia* 21.1, April 1993.
- 3-Badenhorst, Z. 2004. South African Puppetry for the Theatre since 1975. Unpublished Master's thesis. Pretoria: Tshwane University of Technology.
- 4-Bockkooi, P. 1999. "Reṅgodin" klein meesterwerk! Beeld. 14 September:10.
- 5-Ejizu, C.I. Sa. African Traditional Religions and the Promotion of Community-Living In Africa. <<http://www.afrikaworld.net/afrcf/community.htm>>
- 6-Llaves, S. 1992. Sorting out the terminology. <<http://www.geocities.com/missionalia/aic/htm/>>.
- 7-Joyce, P. 1989. Religions in South Africa. In: *The South African Family Encyclopedia*. Cape Town: Struik.
- 8-Miller, P. 1979. Myths and Legends of Southern Africa. Cape Town: T. V. Bulpin Publications (Pty.) Ltd.
- 9-Rauch, J. 2005. Linking Crime and Morality: Reviewing the Moral Regeneration Movement. *Crime Quarterly*, 11, March 2005.
- 10-Statistics South Africa. 2004. Census 2001. <<http://www.statssa.gov.za/census01/>>.
- 11-Tshabalala, N. Sa. Giving back the childhood to the children of Soweto. <<http://www.unicef.org/puppets/>>.
- 12-World Conference on Religion and Peace - South Africa. Sa. <<http://www.ifh.org.uk/wcrp.htm>>.